

ادامه از صفحه اول

هدر رفتن سرمایه‌های آموزش عالی

حال آنکه سایر دانشگاه‌های نیمه‌دولتی و دولتی یا به‌طور کامل از امکانات موجود دولتی استفاده کردند یا از خزانه دولتی هرروزه خرج‌رانشی می‌کنند. این در حالی است که هم‌اکنون هم در میان این‌همه دانشگاه‌های رنگارنگ رانتی و پیرخج، همه کنترل‌ها، سطح‌بندی‌ها، خطاب‌ها و تذکرات وزارت علوم متوجه این قبیل مؤسسات است، گرچه این بسیار هم خوب است ولی عادلانه است که برای سایر دانشگاه‌ها نیز اعمال شود. در زمان توزیع دانشجو، هر یک از این دانشگاه‌ها علاوه بر پذیرش از طرق معمولی، هر یک با نوعی مجوز رانتی دانشجویان اضافی دیگری را جلب و این‌همه می‌کنند و به شکل غیراصولی، گوی سبقت را از دیگران می‌ربایند. ولی باز هم برعکس مؤسسات و دانشگاه‌های غیردولتی و غیرانتفاعی باید ما‌ها کم‌تابه و مراوده کنند تا آیا ماده‌واحدی به نفع آنان احتمالا بتواند صادر شود یا خیر. برای وزارت علوم باید جالب باشد که طی سالیان دراز و این‌همه تبلیغ و شعار، هنوز هیچ‌یک از دانشگاه‌های پرخرج دولتی و آزاد برخلاف کشورهای همجوار و آن طرف آب نتوانسته‌اند بخشی از ظرفیت دانشگاه‌ها را با دانشجویان خارجی پر کنند. راستی چرا؟ آیا جز این است که در این قبیل دانشگاه‌ها، هنوز سطح علمی قابل‌قبول در عرصه جهانی آموزش‌عالی دیگران به وجود نیامده ولی همان دیگران هرسال هزاران دانشجوی مشتاق تحصیل از کشور ما و سایر کشورها را با شهریه‌های گزاف جذب می‌کنند؟ این از مصادیقی است که حتما بخش‌های مهمی از وزارت علوم باید در مورد آن عمیقاً بیاندیشند که به راهکارهایی منجر شود.

به‌رحال اکنون زمان عوض شده است. کاهش جمعیت جوان کشور، تعداد داوطلبان ورود به دانشگاه، کاهش انگیزه و عدم اشتغال به دلیل عدم توسعه نهادهای اجتماعی، صنعتی، کشاورزی، فقدان شرایط جذب دانشجویان خارجی و مهم‌تر تغییر درجه نیاز محوری کشور به نوع مهارت‌های شغلی با دانش‌های پیشرفته یا تکنولوژی‌های مدرن و کاهش توانمندی علمی فارغ‌التحصیلان نسبت به سطح دانش‌آموختگی مطابق با نیازمندی‌ها، حکم می‌کند برنامه‌های آموزشی متحول شود. براساس آمارهای اخیر، مؤسسات آموزش عالی غیردولتی از کارآمدترین استادان با تجربه ۳۰، ۴۰ ساله در هیات مؤسس و امنا تشکیل یافته و اینان خیل عظیمی از کارمندان و استادان را با نظارت ویژه سیستم‌های غیردولتی به کار گرفته و همین است که تاکنون طبق آمارهای معتبر، بهترین رتبه‌ها در قبولی مقاطع بالاتر در دانشگاه‌ها را داشته‌اند و حال آنکه دانشجویانشان در بدو ورود به طور متوسط شاید سطح پایین‌تری را داشته‌اند. اگر وزارت درصدد براندازی آنهاست که این در حال اتفاق افتادن است، باید بداند این ائتلاف بزرگ، هنر نیست و می‌تواند حداقل برای ایجاد تحول اجتناب‌ناپذیر اقدامات زیر را به عمل آورد.

- توزیع داوطلبان ورود به دانشگاه به‌طور متمرکز؛ چه از طریق آزمون یا بدون آزمون و صدور فهرست پذیرفته‌شدگان غیرمشتَرک (اختصاصی برای هر دانشگاه و غیرتکسراری) به طور مجزا -برای هر دانشگاه از جمله دانشگاه آزاد

- برگرداندن دانشگاه‌ها بر سر مأموریت اولیه

- اعمال قانون، رویه‌ها و مقررات یک‌سال برای همه دانشگاه‌ها

- اجرای سطح‌بندی در تمام دانشگاه‌ها نه‌فقط برای دانشگاهی خاص بلکه بر اساس اصول اساسی کارآمدی و ملاک‌های جهانی دانشگاه‌های معتبر و البته ملاحظات فرهنگ اسلامی و ایرانی

- تبدیل دفتر گسترش وزارت علوم به دفتر بازنگری و تعدیل گسترش دانشگاه‌ها

- تقویت سازمان سنجش و آموزش عالی کشور برای ایجاد زمینه‌ها و رفع موانع جذب دانشجویان خارجی و در عین حال ارتقای سطح علمی و عمومی دانشگاه‌ها و توسعه کیفی و کمی ظرفیت پذیرش توسط دفتر تعدیل گسترش

- عدم تخصصی یا تقسیم مجدد رشته‌های مقاطع بین دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه آزاد حداقل برای یک مدت ۴-۲ سال به‌جز رشته‌های تحصیلات تکمیلی، آن‌هم برای مؤسسات و دانشگاه‌های هدف‌گرا و دارای مأموریت‌های تخصصی ویژه تا حداقلتر دو رشته در سال

دانشگاه‌های غیردولتی نیز به این نقاط آسیب‌پذیر توجه کنند

- درخواست ایجاد سازمان دانشگاه غیردولتی و انجام تمامی امور با مسئولیت برابری آن با سایر دانشگاه‌های کشور

- تقویت اتحادیه مؤسسات و دانشگاه‌ها به‌مثابه رئیس کل اجرایی و نمایندگی مملکت‌رد واحد و دفاع از حق‌های محروم‌شده تمام مؤسسات به‌طور دسته‌جمعی

- مطالبه احتمالی اتحادیه در حرکت به سمت تجمیع مؤسسات در صورتی‌که وزارت علوم حمایت‌های لازم و جدی را به‌عمل آورد.

- ارتقای انگیزه داوطلبان ورود به مؤسسات غیردولتی تا آنجا که مربوط به ارائه آموزش‌های مطلوب، ارتقای جاذبه‌های علمی، فناوری و کارآمدی دانش‌آموختگان در جامعه می‌شود. - نظارت بر اجرای تمامی مقررات آموزشی و رعایت استانداردهای آموزش مقبول یا مطلوب در چارچوب ملاک‌های وزارت علوم

شرق: خانواده جوانی محکوم به قصاص، برای تهیه بیش از ۳۰۰ میلیون تومان باقی‌مانده از ۸۵۰ میلیون تومانی‌که اولیای‌دم‌مقتول برای اعلام رضایت، خواسته‌اند، از مردم درخواست کمک کردند.

این محکوم به قصاص که علی نام دارد در اتفاقی ناخواسته درگیر ماجرابی منجر به قتل شد و اکنون بیش از سه سال از روزی که او در ۳۰ سالگی به خاطر شوخی دوستانش قاتل شناخته شد، می‌گذرد. علی به قصاص محکوم شده و نام او در فهرست اجرای احکام قرار گرفته است درحالی‌که هنوز بخشی از مبلغی که اولیای دم برای ساخت حسینیه و اعلام رضایت طلب کرده‌اند تأمین نشده است. اولیای‌دم این پرونده ابتدا مبلغ ۱۰۵میلیارد تومان برای هزینه ساخت حسینیه و اعلام رضایت درخواست کرده بودند، اما در نهایت این مبلغ را به ۸۵۰ میلیون تومان کاهش دادند. آنها گفته‌اند اگر این پول تا روز اجرای حکم پرداخت نشود، به‌هیچ‌وجه مهلت نخواهند داد. یکی از روزهای تابستان سال ۹۱ علی با عده‌ای از همکاران خود از عسلویه که محل کارشان بود به سمت ممسنی در حال بازگشت بودند که اتفاقی مرک‌بار رخ داد. یکی از شاه‌اهد عینی که این ماجرا را از نزدیک دیده است، درباره این حادثه گفت: «درگیری از یک شوخی شروع شد. علی مدعی است گوشی یکی از بچه‌ها را در جیب او‌که خواب و از همه‌جا بی خبر بود، گذاشتند. پس از آن صاحب گوشی متوجه نبودن گوشی‌اش شد و با گوشی یکی از همراهانش با تلفن خودش تماس گرفت و وقتی گوشی در جیب علی زنگ خورد آن شخص او را سارق گوشی خود دانست.» به گفته یکی از شاهدان، عده‌ای در پی این شوخی می‌خندیدند و عده دیگری با صاحب گوشی هم‌نظر بودند که علی قصد سرقت داشته است.

براساس گفته‌های شاهدان، از اینجا بود که ماجرای درگیری آغاز شد و تا جایی پیش رفت که صاحب گوشی

حوادث

درخواست کمک برای نجات از چوبه دار

جوان محکوم به قصاص برای بازگشت به زندگی به ۳۰۰ میلیون تومان نیاز دارد

و دوستانش، علی و دوستانش را مورد ضرب‌وشتم قرار دادند. پس از آن، ماجرا تومانی‌که اولیای‌دم‌مقتول برای اعلام رضایت، خواسته‌اند، از مردم درخواست کمک کردند.

این محکوم به قصاص که علی نام دارد در اتفاقی ناخواسته درگیر ماجرابی منجر به قتل شد و اکنون بیش از سه سال از روزی که او در ۳۰ سالگی به خاطر شوخی دوستانش قاتل شناخته شد، می‌گذرد. علی به قصاص محکوم شده و نام او در فهرست اجرای احکام قرار گرفته است درحالی‌که هنوز بخشی از مبلغی که اولیای دم برای ساخت حسینیه و اعلام رضایت طلب کرده‌اند تأمین نشده است. اولیای‌دم این پرونده ابتدا مبلغ ۱۰۵میلیارد تومان برای هزینه ساخت حسینیه و اعلام رضایت درخواست کرده بودند، اما در نهایت این مبلغ را به ۸۵۰ میلیون تومان کاهش دادند. آنها گفته‌اند اگر این پول تا روز اجرای حکم پرداخت نشود، به‌هیچ‌وجه مهلت نخواهند داد. یکی از روزهای تابستان سال ۹۱ علی با عده‌ای از همکاران خود از عسلویه که محل کارشان بود به سمت ممسنی در حال بازگشت بودند که اتفاقی مرک‌بار رخ داد. یکی از شاه‌اهد عینی که این ماجرا را از نزدیک دیده است، درباره این حادثه گفت: «درگیری از یک شوخی شروع شد. علی مدعی است گوشی یکی از بچه‌ها را در جیب او‌که خواب و از همه‌جا بی خبر بود، گذاشتند. پس از آن صاحب گوشی متوجه نبودن گوشی‌اش شد و با گوشی یکی از همراهانش با تلفن خودش تماس گرفت و وقتی گوشی در جیب علی زنگ خورد آن شخص او را سارق گوشی خود دانست.» به گفته یکی از شاهدان، عده‌ای در پی این شوخی می‌خندیدند و عده دیگری با صاحب گوشی هم‌نظر بودند که علی قصد سرقت داشته است.

براساس گفته‌های شاهدان، از اینجا بود که ماجرای درگیری آغاز شد و تا جایی پیش رفت که صاحب گوشی



میلیون تومان راضی کنیم».او در ادامه می‌گوید: «خانه و هرچه را در این سال‌ها جمع کرده بودم، فروختم و امروز با خانواده چهارنفره‌ام در یک خانه کلی در روستا زندگی می‌کنیم. از سوی دیگر، زمینی به وسعت هفت هکتار داشتیم که آن را هم فروختم، ولی در جریان فروش سرم کلاه

گذاشتند. زمینم را ۱۴۰ میلیون تومان خریدند و بعد فهمیدم بسا و زدوند خریدار با نگاه از من کلاهبرداری شده و من که خیلی عجله داشتم، بدون تحقیق آن را فروخته بودم. حالا متوجه شدم پولی که من بابت هفت هزار متر زمین گرفته‌ام، حتی از پول یک پنجم این زمین هم کمتر است. فردی که زمین را از من خرید، بخش خیلی کمی از آن را به قیمت ۱۴۰میلیون تومان فروخته است؛ درحالی‌که کل زمین را از من ۱۲۰میلیون تومان خریده بود». پدر علی می‌گوید: «پسر من جوانی بدون سابقه شرارت است و حالا چند قدم بیشتر تا اعدام فاصله ندارم. من برای تهیه این پول، دست نیاز را به سوی مردم خیر بلند کرده‌ام. ما خودمان کمتر از ۵۰۰ میلیون تومان تهیه کرده‌ایم و اگر مردم برای تهیه باقی پول به ما کمک نکنند، پسرم قصاص خواهد شد. از همه هم‌وطنان می‌خواهم هرچه در توان دارند به ما کمک کنند تا جان یک انسان را نجات دهیم. پسر من آدم شرور و خطرناکی نیست که از آزادی‌اش نگران باشیم. این را من نمی‌گویم، همه کسانی که پسرم را می‌شناسند، شهادت می‌دهند. فقط بدشناسی پسرم این بود که بین این همه آدم، قانون پسر من را قاتل تشخیص داده است. درحال‌حاضر من از یکی از همکاران قدیمی خود که در کار خیر است خواسته‌ام حساب بانکی‌اش را برای جمع‌آوری کمک خیرین اختصاص دهد. هم‌وطنان لطف کنند کمک‌های خیرخواهانه خود را به حساب شماره ۷۰۳۷۹۹۱۸۸۶۹۷۷۲۷۲ به نام سهراب

بازداشت گروگانگیران در کمتر از ۸ ساعت

وقوع این حادثه بلافاصله تیم‌های ویژه‌ای از کارآگاهان شهرستان نیکشهر، ایرانشهر، چابهار و دلگان بررسی موضوع را در سطح گسترده آغاز کردند. وی ادامه داد: کارآگاهان پلیس بامداد سه‌شنبه پس از شناسایی محل نگهداری گروگان‌ها در یکی از روستاهای شهرستان

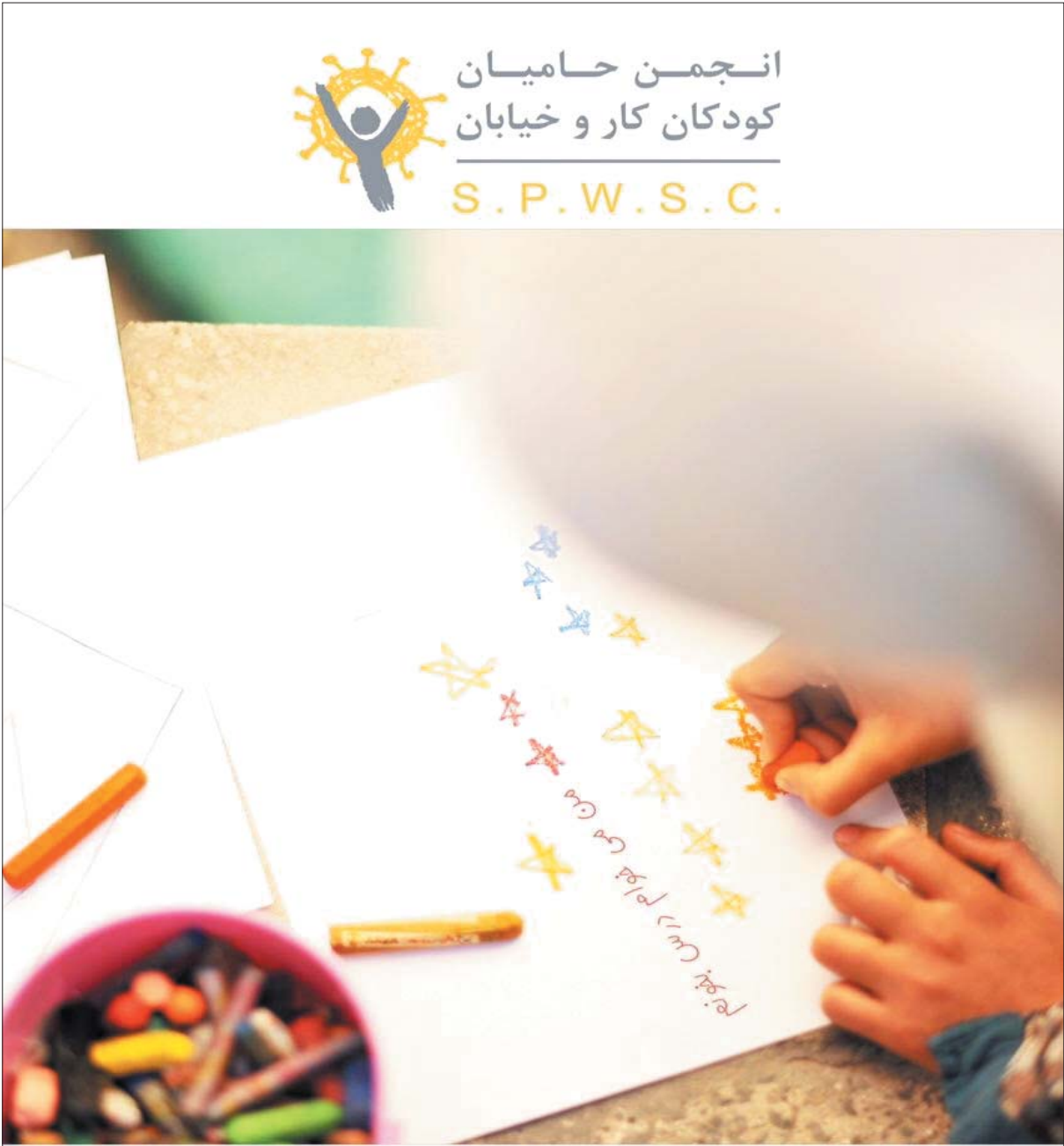
لشگری که از همکاران من است و از ابتدا تا اینجا ی پرونده به عنوان یک انسان خیر کنار ما بوده، واریز کنند تا ان‌شاءالله در نهایت وجه مورد نیاز تأمین شود تا هم منجر به مشارکت آنها در کار خیر ساخت حسینیه شود و هم فرزند من از مرگ نجات یابید». درهمین‌حال، سیدعبدالله موسوی، مدیرکل دادگستری استان چهارمحال‌و‌بختیاری که به گفته خودش بارها همراه دیگران برای جلب نظر اولیای دم برای بخشش این قاتل به آنها مراجعه کرده است، در این مورد به خبرنگار ما می‌گوید: «اولیای دم این مقتول که فرزندشان به شکل بسیار ناجوانمردانه‌ای به قتل رسیده و ظلم بزرگی به آنها شده است با پایبندی به اعتقاداتشان و به حرمت بزرگوارانی که بارها به آنها مراجعه کردند، حاضر به گذشت شدند. البته این خانواده برای ساخت حسینیه مبلغی را مطالبه کرده‌اند. خانواده قاتل نیز برای تهیه این مبلغ که ۸۵۰ میلیون تومان است تمام تلاش خود را کرده و حتی خانه‌ای را که در آن زندگی می‌کرده‌اند، فروخته‌اند. با وجود این حدود بخشی از مبلغ را هنوز کم دارند به همین خاطر قرار شده در یک اعلام عمومی از خیرین کمک بخواهند تا باقی‌مانده پول تأمین شود». از خیرین کمک بخواهند درباره ماجرای منجر به قتل نیز توضیح می‌دهد: «قاتل و همدستانش در اقدامی به مقتول و برادرش حمله‌ور شدند و آنها را به طرز بدی کتک زدند که منجر به قتل شد. در ابتدا مشخص نبود قاتل چه کسی است، اما در روند تحقیقات این فرد ابتدا متهم و در نهایت نیز در روند رسیدگی به عنوان قاتل محکوم به قصاص شد. پس از آن رای در دیوان‌عالی کشور تأیید شد و درحال‌حاضر با اذن رئیس قوه‌قضائیه حکم قابل اجرا شده است. پس از استیذان حکم بود که سرانجام خانواده مقتول حاضر به بخشش شدند، به شرطی که مبلغی که مطالبه کرده‌اند از سوی خانواده قاتل تأمین شود تا برای ساخت حسینیه هزینه شود. درحال‌حاضر زمانی برای اجرای حکم تعیین نشده است».

 دلگان بلافاصله منطقه را تحت کنترل خود قرار دادند و در یک عملیات منسجم پلیسی ضمن آزادکردن دو گروگان، دو نفر از آدم‌ربایان را نیز بازداشت کردند. وی افزود: در این عملیات یک قبضه سلاح جنگی و مهمات مربوطه از مخفیگاه این متهمان کشف شد.	 وقوع این حادثه بلافاصله تیم‌های ویژه‌ای از کارآگاهان شهرستان نیکشهر، ایرانشهر، چابهار و دلگان بررسی موضوع را در سطح گسترده آغاز کردند. وی ادامه داد: کارآگاهان پلیس بامداد سه‌شنبه پس از شناسایی محل نگهداری گروگان‌ها در یکی از روستاهای شهرستان
---	---

رخداد

روان شناس قلابی دستگیر شد

● فرمانده انتظامی استان البرز از دستگیری فردی که با مدرک سبیکل، خود را دکتر روان‌شناس معرفی و از شهروندان کلاهبرداری می‌کرد، خبر داد. سردار «بخشعلی کامرانی صالح» گفت: در پی تشکیل پرونده‌ای در پلیس آگاهی شهرستان فردیس مبنی‌بر اغفال زنی از سوی یک دکتر روان‌شناس به نام «م» پیگیری موضوع در دستور کار مأموران قرار گرفت. وی گفت: پس از تحقیقات اولیه مشخص شد شاکلی از طریق یکی از سایت‌های اینترنتی از فردی که خود را دکتر روان‌شناس معرفی کرده با واریز مبلغی وجه نقد به حساب وی خدمات مشاوره‌ای دریافت کرده، اما پس از چند نوبت ارائه خدمات مشاوره شاکلی به کلاهبردارایودن وی پی برده است. سردار کامرانی صالح افزود: طبق اظهارات شاکلی با توجه به اینکه متهم با راه‌اندازی سایت شخصی در فضای مجازی اقدام به معرفی خود به‌عنوان دکتر روان‌شناس کرده بود تحقیقات برای شناسایی این سایت آغاز شد و پس از چندین شبانه‌روز تحقیقات میدانی و اقدامات اطلاعاتی گسترده در نهایت سایت اینترنتی و محل زندگی متهم در شهرستان ملارد شناسایی شد. این مقام انتظامی تصریح کرد: متهم در سایت شخصی‌اش با معرفی خود به عنوان دکتر روان‌شناس اقدام به تبلیغ درباره مشاوره روان‌شناسی در منزل، برگزاری جلسات و همایش‌های علمی و سخنرانی در ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف، تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی می‌کرد. وی در ادامه اظهار کرد: پس از استعلام از کانون روان‌شناسی و دانشگاه علوم پزشکی و تأیید تقلبی بودن مدرک دکترای متهم، مأموران پلیس آگاهی فردیس با دریافت نیابت قضائی به شهرستان ملارد اعزام شدند و با مراجعه به منزل وی در بازرسی از آنجا تعدادی مدارک و اوراق تقلبی مانند کارت ویزیت تحت عنوان دکتر روان‌شناس، استاد دانشگاه و عضو هیات علمی دارای بورد تخصصی از کشورهای اروپایی، چندین لوح تقدیر از مقامات دولتی و علمی، سه جلد کتاب با موضوعات روان‌شناسی تألیف متهم، تعدادی مهر جعلی از کانون روان‌شناسی و مشاوره و سایر ارگان‌های دولتی کشف کردند. سردار کامرانی صالح گفت: متهم پس از انتقال به پلیس آگاهی شهرستان فردیس در بازجویی‌های مأموران به جرم خود مبنی بر کلاهبرداری از شهروندان اعتراف و اذعان کرد با داشتن مدرک سبیکل به مدت هفت سال است که با برچسب مدرک دکتری روان‌شناسی از دانشگاه‌های معتبر اروپایی از شهروندان کلاهبرداری می‌کند.



با مشارکت در طرح #۵۵۷ * ۷۲۴ * زندگی کودکان کار و خیابان را ستاره باران کنیم
تماس با ما ۸۸۰۲۸۵۰۸
www.str-children.com

پنج‌قاره

مرد گرفتار در بیابان با خوردن مورچه زنده ماند

● مرد استرالیایی که سه مدت شش روز در بیابان‌های این کشور گرفتار شده بود، با خوردن مورچه از مرگ نجات یافت. «رگ فوگردی» ۶۲ ساله که هفتم اکتبر بدون آب و غذا در بیابان‌های دورافتاده استرالیای مفقود شده بود، با خوردن مورچه‌های سیاه بیابان، جان خود را از تشنگی و گرسنگی نجات داد و زنده ماند. گروه نجاتجس پلیس بعد از اعلام مفقودی فوگردی توسط خانواده‌اش، جست‌وجو در بیابان‌های بسیار خشک و بی‌آب‌و‌علف غرب استرالیا در ۹۵۰ کیلومتری پرث را آغاز کردند و پس از شش روز، او را درحالی‌که مورچه سیاه می‌خورد و حتی ازگزند حیوانات وحشی نیز در امان مانده بود، زنده یافتند.

قتل نوزاد توسط مادر مست

● زنی ۵۷ ساله اهل «لوسبانا» آمریکا پس از ۱۴ سال به قتل پسر نوزاد خود متهم شد. پس از یافتن بقایای جسد یک کودک در انباری، توسط صاحبخانه این زن به نام «ربکا لندری»، پلیس